



درس فارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: امارات و ظنون
 تاریخ: ۱۶ دی ۱۴۰۳
 موضوع جزئی: ۵. حجیت خبر واحد - ادله حجیت خبر واحد - دلیل اول: کتاب - آیه نفر - مصادف با: ۴ رجب ۱۴۴۶
 - کلام محقق اصفهانی - دو رکن استدلال - رکن اول - رکن دوم
 سال شانزدهم
 جلسه: ۶۳

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث ما درباره آیه نفر به اینجا رسید که اگر بخواهد استدلال به این آیه برای حجیت خبر واحد تمام باشد دو مطلب باید ثابت شود؛ یکی وجوب الحذر و دیگری اطلاق الحذر. اگر خاطرتان باشد ما پنج وجه برای استدلال به این آیه بیان کردیم. وجه اول که مربوط بود به اولویت دلالت آیه بر حجیت خبر واحد، نسبت به دلالت آیه بر حجیت فتوای مفتی. اما سه وجه بعدی پایه و اساس وجوب حذر بود. وجه پنجم هم که بر دو مقدمه استوار بود، وجوب الحذر و اطلاقه. ملاحظه کردید هم نسبت به وجوب حذر اشکال شد، هم نسبت به اطلاق الحذر. گفتیم وجوب حذر ثابت نیست و اطلاق هم ندارد، زیرا در مقام بیان نیست، این را مفصل توضیح دادیم. پس تا اینجا آیه نفر دلالت بر حجیت خبر واحد ندارد.

کلام محقق اصفهانی

اما از طریق دیگری برخی از اعظام از جمله محقق اصفهانی در صدد بر آمدند حجیت خبر واحد را از این آیه استفاده کنند. پایه و اساس وجوه چهارگانه قبلی در استدلال بر وجوب حذر و نیز اطلاق حذر استوار بود، طبق این راه و این طریق که محقق اصفهانی می فرماید، وجوب حذر را کنار می گذارد، دقت بفرمایید، توجه به تفاوت راهی که ایشان می فرماید با وجوه قبلی مهم است. محقق اصفهانی در واقع می خواهد بر تکیه بر وجوب انذار مسئله را حل کند، نه با وجوب حذر. زیرا ما نسبت به وجوب حذر اشکال کردیم و گفتیم و خود محقق خراسانی نیز اشکال کردند که آیه دلالت بر وجوب حذر ندارد... .

دو رکن استدلال

ایشان می خواهد از راه وجوب انذار مسئله را حل کند و کاری به اینکه «لعلهم یحذرون» دلالت بر وجوب حذر کند، ندارد. ایشان هم چنین اطلاق حذر را از همین وجوب انذار می خواهد استفاده کند. بیان ذلک:

رکن اول

ایشان می گوید اگر حجیت انذار ثابت شود می توانیم حجیت خبر واحد را استفاده کنیم. آیه این بود «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَأَنَّ نَفَرًا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ» ایشان می گوید: با دو راه می توان حجیت انذار را ثابت کرد:

راه اول

ما قبول داریم که «لعلهم یحذرون» دلالت بر وجوب حذر ندارد، بلکه به معنای احتمال حذر است، بالاخره وقتی کسی انذار می‌کند، ممکن است یک عده‌ای از این انذار متحذر بشوند، اثر بپذیرند و ممکن است اثر نپذیرند. انذار یعنی خبر همراه با هشدار، اخبار همراه با بیم دادن، ممکن است کسی از این خبر و انذار متأثر شود، ممکن است کسی متأثر نشود، پس به نظر ایشان موضوع له «لعل» احتمال است. آن وقت معنای آیه این می‌شود و کَلِیْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَیْهِمْ چه بسا آنها متحذر شوند از عقاب، به احتمال اینکه بترسند، به احتمال اینکه آنها مراقب باشند و متحذر شوند. اگر «لعلهم یحذرون» به معنای احتمال حذر باشد، احتمال حذر جز با حجیت انذار محقق نمی‌شود. اگر فرض کنید کسی انذار بکند اما انذار او حجت نباشد، آیا دیگر احتمال حذر مطرح است؟ یعنی اگر بگوییم انذار حجت نیست، دیگر احتمال حذر، احتمال عقاب، احتمال عذاب در مخالفت وجود دارد؟ وقتی می‌دانیم حرفی که این شخص می‌زند و انذاری که می‌کند اعتبار ندارد ما دیگر احتمال عقاب نمی‌دهیم. احتمال حذر و احتمال عقاب در جایی است که ما مواجه شویم با انذار یک منذر که حجت است. در غیر این صورت قاعده قبح عقاب بلا بیان می‌آید و می‌گوید نترس و نگران نباش، اگر بخواهند بنده‌ای را عقاب کنند اول به او می‌گویند که چه کارهایی موجب عقاب است و چه کارهایی موجب عقاب نیست. اما اگر بگوییم انذار حجت دارد، این انذار خودش بیان محسوب می‌شود و دیگر آن احتمال حذر مشمول قاعده قبح عقاب بلا بیان نیست. لذا احتمال حذر، کشف از حجیت انذار می‌کند.

پس اینجا رکن استدلال این است که «لعل» هر چند به معنای احتمال حذر است، اما این برای حجیت انذار کافی است.

پس حذر در اینجا به معنای عقاب و «لعلهم یحذرون» به معنای احتمال عقاب است بر این اساس، اگر انذار حجت نباشد و ما احتمال بدهیم اگر مخالفت صورت بگیرد و انذار نادیده گرفته شود، آیا عقاب در کار است یا نیست؟ اینجا قاعده قبح عقاب بلا بیان جاری می‌شود. اما اگر گفتیم انذار حجت دارد، این بدین معناست که بیان محسوب می‌شود و لذا احتمال حذر خودش کشف از حجیت انذار می‌کند. پس یا انذار حجت است یا نیست؛ اگر حجت نباشد آن احتمال منتفی می‌شود، اگر آن احتمال بخواهد مورد توجه قرار بگیرد و قاعده قبح عقاب بلا بیان جاری نشود، باید انذار حجت باشد. پس حجیت انذار ثابت می‌شود. در یک جمله اگر انذار حجت نداشت دیگر وجهی برای عقاب نبود، دیگر «لعلهم یحذرون» معنا نداشت زیرا قبح عقاب بلا بیان آن احتمال را کنار می‌گذاشت اما اگر حجت باشد آنوقت دیگر از موارد قبح عقاب بلا بیان نیست و اینجا وجه، برای عقاب می‌توانیم تصویر کنیم. این یک بیان که از راه حجیت انذار بخواهیم بدون تکیه بر حذر به نتیجه و مقصود برسیم.

سوال:

استاد: انذار واجب است، اما برای دیگران حجت است یا خیر؟ آنها از راه وجوب حذر می‌خواستند حجیت خبر واحد را ثابت کنند، شما می‌گویید اگر انذار واجب شد پس خبر واحد واجب می‌شود و حجت می‌شود، این یک راه دیگری است که کاری به آنها ندارد و بعدا عرض می‌کنیم. یک راه همین است که شما می‌گویید که آیه می‌گوید انذار واجب است، وجوب انذار ملازم با حجیت است که بعدا بررسی می‌کنیم.

راه دوم

طبق راه اول حجیت انذار بر اساس معنای «لعل» که احتمال حذر است، ثابت می‌شود و کاری به وجوب حذر ندارد «لعلهم یحذرون» به معنای احتمال حذر است و احتمال حذر مستلزم حجیت انذار است. اگر احتمال حذر را قبول کردیم قطعاً نتیجه می‌دهد که انذار حجت باشد.

در طریق دوم می‌گویند انذار عبارت بیانی که مشتمل بر تخویف است. انذار یعنی مطلبی را همراه با ترساندن به کسی بگوید، بیم بدهد، بترساند، این خودش نشان دهنده این است که انذار حجت است. زیرا اگر تخویف بخواهد محقق شود باید انذار حجت باشد. تخویف اصلاً جایی تحقق پیدا می‌کند که انذار حجت داشته باشد. تخویف و ترساندن یعنی مخاطب و کسی که این را می‌شنود بترسد، ترسیدن او در صورتی است که کلام منذر و انذار او حجیت داشته باشد و به آن ترتیب اثر داده شود. این نشان می‌دهد که اگر حجیت انذار ثابت شود، حجیت خبر واحد هم ثابت می‌شود.

این دو راه هیچ کدام مبتنی بر وجوب حذر نیست، بلکه بر انذار تکیه دارد «لینذروا قومهم»؛ حال یا با کمک «لعلهم یحذرون» حجیت انذار را ثابت می‌کند و یا با کمک جزء معنایی انذار که عبارت از تخویف است. در هر صورت حجیت انذار ثابت می‌شود. ما اگر حجیت انذار را ثابت کنیم به نظر ایشان می‌توانیم به مطلوب برسیم.

رکن دوم

رکن دیگری که محقق اصفهانی می‌فرماید این است که وجوب انذار اطلاق دارد، می‌گوید «لینذروا قومهم» یعنی چه دیگران از این انذار علم پیدا کنند و چه نکنند. هیچ قیدی در این آیه نیست؛ وجوب انذار که از آیه استفاده می‌شود، حجیت آن را نیز که اثبات کردیم، آیه در مورد انذار هم در مقام بیان هست، پس وقتی می‌بینیم انذار از دید آیه واجب است، قیدی هم برای آن ذکر نشده است، با اینکه در مقام بیان هم بوده، این نشان می‌دهد که وجوب انذار اطلاق دارد یا به تعبیر دیگر حجیت انذار مطلق است، یعنی چه از انذار منذر علم حاصل شود و چه نشود.

ایشان می‌گویند وقتی وجوب انذار اطلاق داشت، اطلاق وجوب انذار سرایت می‌کند به حذر و ما می‌توانیم اطلاق حذر را نیز استفاده کنیم. اطلاق حذر یعنی چه شنونده و مخاطب از انذار منذر علم پیدا کند و چه علم پیدا نکند. همین قدر که انذار صورت بگیرد آن احتمال حذر و عقاب محقق می‌شود، اعم از اینکه منذر علم برایش حاصل شود یا خیر، شنونده یقین کند از قول منذر یا نکند. پس اطلاق از انذار سرایت به حذر می‌کند و مدعا ثابت می‌شود. بنابراین اگر کسی انذار کند، خبری بدهد، انذاری بکند برای شنونده لازم است که ترتیب اثر بدهد هرچند از قول منذر برای او علم و یقین حاصل نشود، و این همان معنای حجیت خبر واحد است.^۱

تفاوت این راه با آنچه که در گذشته مرحوم شیخ انصاری و محقق خراسانی گفتند و بعضی دیگر که ضمیمه‌ای را لازم می‌دانستند این است که آنها از راه وجوب حذر و اطلاق حذر می‌خواستند این را استفاده کنند، اینجا ایشان می‌گویند ما کاری به وجوب حذر نداریم بلکه از راه وجوب انذار و اطلاق آن و سرایت اطلاق وجوب انذار به حذر می‌خواهند مدعا را ثابت کنند.

«والحمد لله رب العالمین»

^۱ نه‌ایه الدراییه، ج ۳، ص ۲۳۵.